

آموزش شهروندی و رویکرد محله محوری: نقش نهادها و ارکان محله‌ای در آموزش شهروندی

مصطفی حسین آبادی * / علی اکبر تقوایی **

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۷/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۸۷/۱۲/۲۳

چکیده:

کشور ایران با دارا بودن سابقه هفت‌هزار ساله شهرنشینی از پیشینه درخشان در این زمینه برخوردار است، اما همزمان با این امر، شهروندی و مفهوم آن در بستر زمان در کشور ما پیشرفت مناسبی نداشته است. بسیاری از شهرنشینان با اینکه در حوزه جغرافیایی شهر ساکن هستند از حقوق و تکالیف خود بی‌اطلاع هستند. اکنون باید این سوال را مطرح کرد که برای تسهیل فرایند تبدیل شهرنشینان به شهروندانی مشارکت‌جو و فعال در عرصه عمومی که به حقوق خود واقف باشند چه باید کرد؟ همانگونه که هر هنر و مهارتی نیاز به تمرین و ممارست دارد شهروند شدن نیز مانند بسیاری از مفاهیم و صورت‌های دست‌ساخته بشر نیاز به یادگیری و آموزش و سپس تمرین دارد.

رویکرد محله محوری در واقع سپردن بخشی از امور به نهادهای محله‌ای است. در تاریخ شهرنشینی محله همواره به عنوان عنصر تنظیم روابط شهروندی نقشی فعال و موفق داشته است. در این مقاله سعی شده است ضمن بیان مفاهیم شهروندی و اهمیت آموزش آن، نقش هر یک از نهادها و ارکان محله‌ای در آموزش صحیح شهروندی بیان گردد.

مقدمه و فرض تحقیق

لحظه‌ای اطلاعات و دنیای اطلاع‌رسانی، حقوق بشر، گفتگوی تمدن‌ها، محیط زیست و ... همه و همه بار مسئولیت‌ها و حقوق نهفته در آداب و مهارت‌های شهروندی را فزونی بخشیده است. شهروندان آگاه به وظیفه و آشنا به حقوق خود می‌توانند مشارکتی خردمندانه و تأثیرگذار را در فضای اجتماع ایجاد کنند و تحولاتی را در عرصه زندگی اجتماعی، فرهنگی،

با شکل‌گیری جامعه مدنی در عصر حاضر شهروند موقعیتی برتر و متفاوت از ساکن شهر یافته، او کسی است که در تصمیم‌گیری‌ها آگاهانه و داوطلبانه شرکت می‌کند. شهروندی در دنیای امروز با مفاهیمی عجین گشته که به راحتی و بی‌تفاوت نمی‌توان از کنار آن گذشت. جهانی شدن، دهکده جهانی، گسترش

* دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

** استادیار گروه شهرسازی و عضو هیأت علمی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تهران و معاون پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس.

جامعه مدنی و تلاش برای احیای همبستگی نیست، بلکه وسیله ای برای پیشبرد نوسازی اجتماعی و کالبدی محله‌ها و شهرها و مناطق مهم شهری محسوب می شود. در واقع احیای جامعه مدنی و تأمین دموکراسی بدون احیای اجتماعات محلی، محافظت از حوزه محلی و تأمین مشارکت محلی امکان پذیر نخواهد بود.

شهروند و حقوق شهروندی

یک شهروند، عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است که ضمن آگاهی از حقوق خود واجد توانایی انتقاد، مباحثه و مشارکت باشد و وظایف خویش در قبال حقوق شهروندی را نیز بشناسد و به انجام برساند. شهروند^۲ «فردی است در یک رابطه متقابل با دولت، که از سویی دارای حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر، در برابر دولت وظایفی به عهده دارد» (امین، ۱۳۷۹، ص ۲۲۱). آنتونی گیدنز تعریف دیگری از شهروندی دارد که می گوید؛ «شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است، که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است» (گیدنز، ۱۳۶۷، ص ۷۹۵).

اگر چه ملیت را اغلب به معنای شهروندی بکار می‌برند، لیکن ملیت معنای وسیعتری از شهروندی دارد. ملیت نیز به معنای رابطه داشتن با یک دولت اما نه به معنای داشتن حقوق سیاسی در داخل، بلکه به معنای برخورداری از مزیت حمایت دولت در خارج از کشور است. همچنین، شهروندی را با اقامت دائمی و شهروند را با مقیم نباید اشتباه کرد. کسی، چه بسا شهروند کشوری باشد، بی آنکه در آن کشور اقامت داشته باشد یا مقیم کشوری باشد، بی آنکه

اسیاسی و فردی خود رقم زنند که پایه های توسعه پایدار را تقویت نماید. شهروندانی که فاقد چنین اطلاعاتی هستند و به وظایف و حقوق مدنی و اجتماعی خود آگاهی لازم را ندارند نه می‌توانند مشکلات خود را حل کنند و نه قادرند که باری از دوش دولت بردارند، بر این اساس انتظار می‌رود که هر جامعه‌ای حداقل امکانات و وسایل را به منظور آموزش شهروندان خود فراهم آورد و آنان را به وظایف و مسئولیت‌های خود آشنا کند.

با شکل‌گیری جامعه مدنی در عصر حاضر شهروند موقعیتی برتر و متفاوت از ساکن شهر یافته، او کسی است که در تصمیم‌گیری‌ها آگاهانه و داوطلبانه شرکت می‌کند

سؤالی که در این مقاله باید پاسخ داده شود این است که از رویکرد محله محوری چگونه می‌توان در جهت آموزش شهروندان و آگاه ساختن آنها نسبت به حقوق و تکالیفشان بهره جست؟ وظایفی که برای هر یک از نهادهای محله‌ای می‌توان در نظر گرفت چه مواردی هستند و مشارکت محله‌ای شهروندان در تحقق آموزش شهروندی چه نقشی دارد؟

امروزه موضوع اجتماعات محلی و نحوه ساماندهی آنها جایگاه مهمی در جامعه شناسی شهری و به تبع آن شهرسازی و مدیریت شهری پیدا کرده است. صاحب‌نظران براین عقیده‌اند که اجتماعات محلی و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آنها در جوامع، نقش موثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند. به نظر آنتونی گیدنز^۱ موضوع اجتماع محلی صرفاً شعاری انتزاعی در

ضرورت آموزش شهروندی^۳

شهروندان از حقوقی برخوردار هستند ولی لزوماً از آن اطلاع ندارند. در حقیقت در آموزش شهروندی، ما شهروندان را از حقوق و آزادی‌هایی که دارند، مطلع می‌کنیم. همان‌طور که ممکن است آنان را نسبت به حقوق و آزادی‌های دیگران آگاه کنیم و در مرحله سوم، شهروندان را به اقدام عملی در جهت تحقق حقوق و آزادی‌های خود و دیگران تشویق می‌کنیم.

آموزش حقوق و تکالیف شهروندان برای مدیریت شهری یک اهتمام بلندمدت و بی‌وقفه محسوب می‌شود. که در این عرصه مردم از طریق نهادهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌های عمومی با حقوق خود در عرصه‌های شهر و اجتماع آشنا می‌گردند و به موازات آن مسئولیت‌های خویش را نیز خواهند شناخت. آموزش شهروندی موضوعاتی چون شهروند و امکانات عمومی، حقوق شهروندی، شهروند و مردم، مشارکت اجتماعی، محیط زیست، شهر شاداب، ترافیک، زیباسازی شهر، بهداشت شهری، پرداخت عوارض و ایمنی، آمادگی شهری، گردشگری و غیره را دربر می‌گیرد. هر چند آموزش این موضوعات هزینه‌ای را بر ما تحمیل می‌کند، اما هزینه آموزش شهروندان به مراتب کمتر از هزینه‌ای است که شهروندان و مدیران شهری آموزش ندیده بر پیکره شهر وارد می‌کنند. آموزش شهروندی بطور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی و یا بطور رسمی بصورت سرفصل درسی مجزا در مدارس و حتی مدارس ابتدایی و یا بصورت رشته تحصیلی دانشگاهی در واقع به شهروندان می‌آموزد که چگونه یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت‌پذیر باشند. در واقع مبنای این آموزش‌ها پرورش یک شهروند

شهروند آن محسوب گردد. از نظر قانون مدنی ایران، اشخاصی که تابعیت ایرانی را تحصیل می‌کنند، شهروند ایرانی محسوب می‌شوند و از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به برخی مقامات من جمله ریاست جمهوری و قوه قضائیه، وزارت، استانداری، فرمانداری، قضاوت، نمایندگی مجلس و شوراهای اسلامی شهر و ... نائل گردند.

یک شهروند، عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است که ضمن آگاهی از حقوق خود واجد توانایی انتقاد، مباحثه و مشارکت باشد و وظایف خویش در قبال حقوق شهروندی را نیز بشناسد و به انجام برساند

حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود. بنابراین، این واژه اعم از حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی است. مفهوم شهروندی حاوی یک تضاد است، بدان معنا که این مفهوم علاوه بر حقوق، دربردارنده وظایف و تعهدات نیز می‌باشد. جذابیت شهروندی صرفاً به خاطر منفعتی نیست که به فرد می‌رسد. این ایده نمی‌تواند صرفاً مجموعه حقوقی باشد که فرد را از تعهد به دیگران رها کند (بشریه، ۱۳۸۰).

انجمن‌های ایالتی و ولایتی که مفصل‌تر از قانون اساسی است، چون الحاقیه‌ای به قانون اساسی اضافه می‌شود تا شهروندی جایگاه مناسب خود را بیابد.

اساسی‌ترین و آشکارترین قوانین شهروندی در جامعه ایران، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت در انواع مختلف آن، حفظ محیط‌زیست، ایجاد فضا و محله سالم، پیشگیری از هرگونه آلودگی از نوع محیطی و صوتی، مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی است

تا قبل از این در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می‌گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می‌شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می‌دیدند. اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال‌های اخیر در میان حقوق‌دانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامع‌تری یافت. در سال ۱۳۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستورکار واحدها گردید. رئوس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود (بخشنامه حقوق شهروندی؛ قوه قضائیه).

اساسی‌ترین و آشکارترین قوانین شهروندی در جامعه ایران، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت در انواع مختلف آن، حفظ محیط‌زیست، ایجاد فضا و محله سالم، پیشگیری از

نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست، بلکه به آنان می‌آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند.

همچنین برای اینکه دولت‌ها بتوانند به نحو موثری وظایف خود را انجام دهند شهروندان باید به بسیاری از قوانین و مقررات، از جمله قوانین مربوط به پرداخت مالیات‌ها و تعهداتی چون انجام خدمت وظیفه و قوانین مربوط به حفظ اموال عمومی، رعایت بهداشت، مقابله با حوادث و بسیاری از حقوق اجتماعی دیگر و مسائل مربوط به آن آشنایی داشته باشند. اهداف ویژه آموزش شهروندی:

- کسب هویت فردی، ملی و جهانی
- افزایش نظم اجتماعی و انضباط اخلاقی
- افزایش روحیه مشارکت
- کاهش ناهنجاری اجتماعی
- وجود آگاهی کافی درباره ضروریات زندگی شهرنشینی
- توسعه روابط رسمی و غیر رسمی مردم با مجموعه مدیریت شهری
- کمک به حل مشکلات شهری و تلاش برای بهتر زیستن
- بهسازی اجتماعی و ایجاد شهری سالم

شهروندی در ایران

با انقلاب مشروطیت، بحث حقوق شهروندی آن هم بدون عنایت به مسئولیت‌ها و وظایف آن و بدون آموزش همگانی مطرح گردید. انجمن‌های تشکیل‌شده در دوران مبارزات مشروطیت، نماد حکومت محلی و دخالت مردم بر سرنوشت خود تلقی شده و قانون

هرگونه آلودگی از نوع محیطی و صوتی، مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی است که باید با ایجاد زمینه‌های فرهنگی جدید و دقت لازم در اجرای قوانین، بنیاد قوانین شهروندی را هرچه بیشتر تقویت و آن را برای دهه‌های آینده نهادینه کنیم. یکی از روشهایی که می‌تواند نسخه ایرانی شهروندمداری را تجلی بخشد ایجاد احساس توطن و تعلق به مکان و محیط زندگی است، احساسی که در شهرهای امروزی با اصل قرار گرفتن معیارهای مادی زندگی به شدت مخدوش و حتی مضمحل گردیده است.

رویکرد محله محوری و آموزش شهروندی

به نظر ایستوارت^۴ مهم ترین وظیفه مقامات محلی و حکومت های محلی برای تقویت و بهبود اجتماع محلی و حکومت های محلی کارآمد و موثر «شهروندی سازی»^۵ است. شهروندسازی یعنی فراهم کردن امکانات، تسهیلات و سازوکارهای لازم برای شهروندان تا آنها از حقوق شهروندی شان بهره مند گردند و بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی خود را در قبال جامعه محلی که در آن زندگی می کنند انجام دهند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰).

تمرکززدایی و محلی گرایی در واقع سپردن امور محلی به واحدهای کوچکتر و مردم است که باعث ایجاد واحد محلی در نظام مدیریت و اداره امور شهرها می شود. محله بخشی از تقسیم بندی کالبدی، فرهنگی شهر با حوزه یا فضای جغرافیایی مشخص، وابستگی ها، علاقه ها، احساسات، تعلق اجتماعی، روابط همسایگی و الگوی مشترک زندگی است که در استیلای سلسله مراتب فضای شهر قرار دارد. محلات معمولاً دارای

همگونی اند که بر ویژگیهای قومی، نوع مسکن، ارزش های اقتصادی و یا ارزش های فرهنگی، اجتماعی این واحدها دلالت دارد که با دگرگون شدن این متغیرها تمایز میان محلات آشکار می گردد. در شهرسازی و شهرنشینی دوران جدید، به دلیل تسلط اقتصاد صنعتی و وسایل حمل و نقل ماشینی و گسترش وسیع ابعاد کالبدی شهر، مقیاسهای انسانی تا حدود زیادی اعتبار خود را از دست داده است. در واقع با پیدایش اتومبیل، مفهوم محله که اساس شکل گیری طبیعی شهرهای قدیم بود، در هم ریخته است چرا که ذات محله با تجمع اشتراک و روحیه جمعی عجین است، در حالی که اتومبیل طالب جدایی، انفصال و استقلال است در نتیجه نظام محله بندی با آشفتگی و عوارض نا مطلوب روبرو شد.

محله بخشی از تقسیم بندی کالبدی، فرهنگی شهر با حوزه یا فضای جغرافیایی مشخص، وابستگی ها، علاقه ها، احساسات، تعلق اجتماعی، روابط همسایگی و الگوی مشترک زندگی است که در استیلای سلسله مراتب فضای شهر قرار دارد

تاکید بر نقش محله و باهمستانها و ظهور برنامه ریزی محله مبنای گونه ای دیگر و در راستای سیاست ها و خط مشی های پیشنهادی سازمان ملل نیز دنبال شده است؛ در دومین همایش سکونتگاه های انسانی (هیئات)^۶ که در سال ۱۹۹۶ در استانبول برگزار شد بر این نکته تاکید شده است که جهان در حالی به قرن بیست و یکم وارد می شود که شهرها ابعاد گسترده تری از نظر حجم فیزیکی و تنوع مسائل اجتماعی و اقتصادی پیدا کرده اند و این تحولات تمام

آموزش شهروندی در مدارس محله

گروه‌های قابل توجهی از نوجوانان و جوانان دانش آموز ایرانی دچار ضعف‌های اساسی در هویت اجتماعی و مدنی و گرفتار نگرش‌های ضداجتماعی و خلافکاری و روحیه سرکشی هستند. در چنین وضعیتی، آموزش حقوق و مسئولیت‌های محلی و ملی و جهانی در جوانب گوناگون شهروندی در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه و آموزش رفتار مبتنی بر تفکر درست، مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری اندیشمندانه ضرورت دارد. برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش‌های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی و دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی را نیز محور برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار دهد.

آموزش شهروندی محلی و ملی و جهانی به دانش آموزان، بخشی مهم از این برنامه‌هاست. در واقع آموزش مفاهیم شهروندی آن هم به طریق و شیوه‌ای غیرمستقیم و غیررسمی، پس از ورود فرد به جامعه، تمرین و مشق است که کودکان، نوجوانان و جوانان امروز در آینده‌ای نه چندان دور در کسوت بزرگسالی و در نقوش گوناگون اجتماعی در جامعه ایفا خواهند نمود.

در کشورهای توسعه یافته مفاهیم شهروندی از دوران کودکی تا نوجوانی آموزش داده می‌شود و دولت نیز آموزش‌های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می‌دهد. در انگلیس از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن بطور

کسانی که در رابطه با برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری دخیل بوده را به چالش فراخوانده است. آموزش شهروندی در محله‌ها سبب تحکیم روابط و آشنایی بیشتر ساکنان محله خواهد شد. مردم یک محله در بهبود کیفیت محیط محله‌شان و امنیت اساسی آن، دست به تشکیل نهادهای مشارکتی و اجتماعی می‌زنند. این نهادهای مشارکتی شورای محله، انجمنهای محلی، مدارس و مساجد را در برمی‌گیرد. در ادامه نقش هر یک از این نهادها و ارکان محله‌ای بیان خواهد شد.

نقش مسجد محله در آموزش شهروندی

نهادینه نمودن رفتارها و آداب شهروندی در افراد تنها از طریق آموزش رسمی و غیررسمی تأمین نمی‌شود، بلکه درک صحیح و درست ما از گذشته و میراث هویتی مان (ملی - دینی)، نیز می‌تواند در مداومت و استمرار فهم شهروندی و جایگاه آن، ثمربخش و مفید فایده باشد. مسجد یکی از فضاها و عمومی است که نقش زیادی در ایجاد نظم عمومی و امنیت محله دارد و یک نهاد بسیار مناسب برای جلوگیری از بروز جرم و جنایت و ایجاد امنیت در سطح محله است. مسجد به عنوان فضایی با تنوع فعالیتها و محل برگزاری بسیاری از مراسم مذهبی-فرهنگی جشنها و اعیاد و تصمیمات مشارکتی مردم در زمینه اداره و کنترل محله، نقطه اتصال شهروند در اداره امور محله خود است. با برگزاری جلسات آموزش شهروندی در مساجد و پیوند مناسب بین مفهوم شهروندی و تعالیم دینی می‌توان از توان بالقوه آنها در این زمینه استفاده کرد. در مسجد می‌توان جایگاه حقوق و تکالیف شهروندی را در اسلام به شهروندان متذکر شد که این امر باعث خواهد شد آموزش‌ها تأثیر به مراتب بهتری داشته باشد.

رسمی در برنامه درسی مدارس از سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. اهداف این آموزش‌ها عموماً موارد ذیل است:

- آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی
- بحث و بررسی درباره سرفصلها و موضوعات مهم شهروندی
- فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیتهای اجتماعی^۷

انجمن‌ها و نهادهای محلی و آموزش

شهروندی

مقوله‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران بر آن تاکید داشته‌اند تقویت و اهمیت نقش سطوح محلی^۸ و حضور انجمن‌ها و نهادهای مدنی در عرصه تصمیم‌گیری با تاکید بر نقش شهروندان و مشارکت واقع آنها در عرصه فعالیت‌ها و اقدامات روزمره است (حاجی پور، ۱۳۸۵). انجمن‌ها نهادهایی هستند که شهروندان در جوامع معاصر برای پیشبرد علائق و منافع مشترک خود تشکیل می‌دهند. همچنین حوزه‌های مذکور می‌باید در دسترس عموم مردم باشند و امکان حضور و مشارکت عامه در آنها موجود می‌باشد (بشریه، ۱۳۸۰، ص ۹۴) مستقل بوده و بدون اتکا به دولت اداره شوند، علاوه بر این سازماندهی درونی آنها نیز دموکراتیک باشد.

به کارگیری رویکرد محله‌گرایی بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنین در یک اجتماع محله‌ای و تقویت بسترها و زمینه‌های هویت ساز محله‌ای است. نهادهای محلی، سازمان‌های غیردولتی (NGOs)^۹ و تشکلهای داوطلب محلی (CBOs)^{۱۰}، عناصر کلیدی این نوع نگرش است. بدون ایجاد این عناصر دستیابی به رویکرد فوق‌الذکر عملی نخواهد بود

(حاجی پور، ۱۳۸۵). این گونه نهادهای مدنی سبب تمرکززدایی از تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی برنامه‌های مختلف می‌شوند و به دلیل اینکه گروه‌های مختلف مردم در مورد امور اظهار نظر تصمیم‌گیری و مشارکت دارند هم احتمال خطا کاهش می‌یابد و هم باری از دوش دولت و نهادهای عمومی دولتی برداشته می‌شود.

بر اساس تحقیقات به عمل آمده اعضای انجمن‌های محلی (مانند شورای محله) کمال سیاسی، اعتقاد اجتماعی، مشارکت و قابلیت مدنی ذهنی بیشتری از خود نشان می‌دهند. مشارکت در سازمان‌های مدنی مهارت‌های همکاری و نیز حس مسئولیت مشترک برای کوشش جمعی را در افراد ایجاد می‌کند. به علاوه وقتی افراد عضو گروه‌های مختلفی باشند که دارای اهداف و اعضای متفاوتی هستند طبیعتاً به واسطه تعامل و فشارهای متقاطع دیدگاه‌هایشان تعدیل می‌شود (اطاعت، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸).

مشارکت در سازمان‌های مدنی مهارت‌های همکاری و نیز حس مسئولیت مشترک برای کوشش جمعی را در افراد ایجاد می‌کند

کارهای گروهی و تصمیم‌گیریهای جمعی باعث می‌شود که افراد ضمن یادگیری نحوه برخورد با مسائل، از طریق تصمیمات واقعی خود نظراتشان را به گوش مسئولان رسانده و با پیگیری‌هایشان به عنوان شهروند فعال، در سرنوشت جامعه خود مشارکت و تاثیر داشته باشند. مسئولان و مدیران شهری برای بهره‌مند شدن از نظرات شهروندان و

نهادهای محلی را بر عهده دارد و هیچ گونه تصمیم و سیاستی را از بالا دیکته نمی‌کند. چنانکه آزرین و گبلر در همین رابطه به نقش سنتی دولت مبنی بر فراهم آوردن امکانات و میانجی‌گری بین مردم اشاره کرده و معتقدند که نقش دولت باید تعریف‌کننده مشکلات مردم و فراهم سازنده امکانات حل این مشکلات باشد، در تعریف آنها تاکید بیشتر بر تصمیم‌گیری به جای ارائه خدمات است، به عبارت دیگر دولت باید کمتر اجرا کند و بیشتر رهبری و هدایت کند (Osborne & Gaebler, 1993)

برای تحقق حقوق شهروندان با لحاظ نیازهای آنان، باید مردم در برنامه‌ها و تصمیمات متخذه برای شهر خود مشارکت داشته باشند. مشارکت یعنی مشارکت در خدمتگزاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت در کلیه برنامه‌های مورد نظر برای شهر، چرا که استفاده از مشارکت مردمی برابر است با رفع یا کاهش تنگناها و معضلات مدیریت شهری. استفاده از مشارکت شهروندی باعث صرف انرژی، زمان هزینه و امکانات کمتر و انجام کارهای بیشتر در شهر می‌شود. مداخله شهروندان در اداره امور باعث آشنایی مستقیم آنان با مسایل شهر شده و این خود منجر به تصحیح نظر و تصور مردم از مدیریت شهری می‌شود. مشارکت شهروندی باعث ایجاد حس اعتماد شهروندان نسبت به مدیران می‌شود و متقابلاً مدیران شهری نیز باید با ایجاد رابطه مستقیم با مردم این حس را تقویت کنند.

مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نتایج مثبتی را به دنبال خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: کاهش محدودیتها و مشکلات مدیریت شهری به خصوص شهرداری‌هایی که با

مشارکت آنان در امور محله و مناطق و منطق شهری باید به حمایت گسترده برای تشکیل نهادهای مدنی در سطوح محله پرداخته و افراد را به عضویت در آن تشویق نموده، خدمات و آموزش‌های شهروندی ارزان قیمت را از طریق این گروه‌ها که در محله‌های خود مورد اعتماد هستند به شهروندان هر محله ارائه دهند و از سوی دیگر از این نهادها به عنوان سازمانهای واسط بین مسئولان و شهروندان استفاده نمایند تا مردم به مشکلات و چالش‌های مسئولان نیز آگاه شده و ضمن تعدیل خواسته‌های خود به رعایت حقوق شهروندی دیگران و احترام به آن بپردازند.

برنامه‌هایی که توسط انجمن‌های محلی در جهت تقویت و آموزش شهروندی می‌توانند مورد استفاده قرار گیرد شامل موارد ذیل است:

۱- کشف نیروهای انسانی محلی و جلب اعتماد و مشارکت آنان در سطح محله و تمرکززدایی از تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد شیوه‌های تصمیم‌گیری شهروند مدار.

۲- برگزاری جلسات آموزشی پیرامون مهارت‌های شهروندی.

۳- چاپ روزنامه‌های محلی با محوریت آموزش شهروندی با مشارکت شهروندان محله.

حقوق شهروندی و مشارکت مدنی در محله

مقوله مشارکت مردم در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی به طور عام از دهه ۱۸۵۰ به بعد و با تغییر در نقش دولتها و میزان دخالت آنها در برنامه‌ریزی به طور دائمی در حال تحول و دگرگونی بوده به گونه‌ای که در رویکردهای اخیر به مفهوم برنامه ریزی و مدیریت، دولت نقش هدایت، حمایت، مشورت و تشویق

کمبود یا فقدان نیروی متخصص و منابع مالی مواجه می‌باشند، چرا که جلب مشارکت مردم باعث رفع بخشی از نیاز مدیریت شهری به منابع انسانی و مالی می‌شود. صرفه جویی در هزینه‌ها و کاهش صرف انرژی، بدین معنی که با استفاده از مشارکت شهروندان این امکان فراهم شود که با صرف انرژی، هزینه و امکانات کمتر اقدامات بسیاری را در شهر انجام داد. مشارکت شهروندان در اداره شهر باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی و نیز افزایش حس تعلق آنان به شهر می‌شود. انجمن‌های شهری و شوراهای که در حال حاضر در سطح شهر، ناحیه و محلات شکل گرفته یکی از گزینه‌های بسیار مناسب برای مشارکت شهروندان در اداره امور و نظم و امنیت عمومی و نظارت بر وقایع شهر و محله خود می‌باشند.

اجتماع محله‌ای و تقویت بسترها و زمینه‌های هویت ساز محله‌ای است.

نهادهای مشارکتی در سطح محله انجمن‌ها و شوراهای محله، مدارس و مساجد می‌باشند. هر کدام از این نهادها می‌توانند نقش مهمی در آموزش شهروندی ایفا کنند. در این مقاله نقش و وظایف هر یک از نهادهای محله‌ای موجود در محلات شهری بیان شد. انجمن‌های شهری و شوراهای که در حال حاضر در سطح شهر، ناحیه و محلات شکل گرفته یکی از گزینه‌های بسیار مناسب برای مشارکت شهروندان در اداره امور و نظم و امنیت عمومی و نظارت بر وقایع شهر و محله خود می‌باشد.

پی‌نوشت

- 1- Antonio Gidenz
- 2- Citizen
- 3- Education citizenship
- 4- John Stuart Mill
- 5- To build citizenship
- 6- Habitat
- 7- Citizenship education in U.K
- 8- Local Level
- 9- Non-Governmental Organizations
- 10- Community-Based Organizations

نتیجه‌گیری

آموزش فرهنگ شهروندی در هزاره سوم چهره دیگری یافته و پیشرفت‌های جهانی درک جدیدی از شهروندی را الزامی ساخته است. برای همگام شدن با این پیشرفت‌ها شهروندان باید دانش و مهارت‌های لازم را برای شهروندی مفید و موثر بودن در جامعه جهانی کسب نمایند. آموزش شهروندی به افراد کمک می‌کند تا شناخت شفاف و درستی از نقش خود در جامعه کسب نمایند و درک کنند که چگونه زندگی آنها در جوامع فرهنگی شان تأثیر گذار است. اجتماعات محلی و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادهای ساختن آنها در جوامع، نقش موثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند. به کارگیری رویکرد محله گرایی در آموزش شهروندی بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنین در یک

منابع و مأخذ

- ۱- امین، سیدحسن، حقوق بشر و کثرت گرایی دینی، ترفند، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲- نجاتی حسینی، محمود، شهروندی و مشارکت، فصل‌نامه مدیریت شهری، شماره ۵، بهار ۱۳۸۰.

- ۱۵- صرافى، مظفر، اسماعيل زاده، حسن، شهروند
مدارى: راهكارهايى براى حل مسائل شهرى ايران، مجله
ماهنامه اطلاعات سياسى - اقتصادى (۲۱۸-۲۱۷).
۱۶- آشورى، داريوش، دانشنامه سياسى؛ ويرايش
۲، مروايد، تهران، ۱۳۷۳.

17- Bullen, P. & Onyx, J. (1999),
"Social Capital", Family Support Services
and Neighborhood and Community Centres
in New South Wales, in website
<http://www.mapl.com.au>

18- Osborne, David & Gaebler, Ted
(1993), "Reinventing Government-How the
Entrepreneurial Spirit is Transforming the
Public Sector", Plume, Penguin Books,
USA

19- Appelbaum, Steven &
Bartolomucci, Nicolas & Beaumier, Erika
& Boulanger, Jonathan & Corrigan,
Rodney & Dore, Isabelle & Girard,
Chrystine & Serroni, Carlo "organizational
citizenship behavior: a case study of
culture , leadership and trust " managment
decision, VoL42,PP(13-40),2004

20- <http://www.citizenshipfoundation.org.uk/main/page.php>

21- Lynn A. Staeheli, Citizenship and
the problem of community, Institute of
Geography, University of Edinburgh,
Drummond Street, Edinburgh EH8
9XP, Scotland, United Kingdom

- ۳- گيدنز، آنتونى، راه سوم بازسازى سوسيال دموكراسى،
ترجمه منوچهر محمدى، تهران، ۱۳۸۷.
۴- نژادبهرام، زهرا، مجموعه مقالات همایش «نظارت
همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی»، شهرداری تهران و
دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸۶.
۵- حبیبی، سید محسن، هنرهای زیبا، شماره ۱۳،
دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۶- بشریه، حسین، درس‌های دموکراسی برای همه:
انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
۷- اطاعت، جواد، جامعه مدنی و کثرت‌گرایی سیاسی،
انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ایران،
تهران، ۱۳۷۶.
۸- برخورداری، مهین، حقوق شهروندی، آموزش و
مشارکت مدنی در محله، ارائه شده در همایش علمی-
کاربردی توسعه محله‌ای؛ چشم انداز توسعه پایدار شهر
تهران.
۹- پیران، پرویز، راهی جز افزایش مشارکت مردم
نداریم، شهر و ساختمان، سال اول، شماره دوم و سوم،
۱۳۸۲.
۱۰- حاجی‌پور، خلیل، برنامه‌ریزی محله-مبنا رهیافتی
کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، هنرهای زیبا، شماره
۲۷، تابستان ۱۳۸۵.
۱۱- مدنی پور، علی، طراحی فضای شهری، ترجمه
فرهاد مرتضایی، شهرداری تهران، ۱۳۷۹.
۱۲- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی؛ ترجمه منوچهر
صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۶۷.
۱۳- شکری، نادر، حقوق شهروندی، مجموعه مقالات
همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی»،
شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸۶.
۱۴- پاکزاد، جهان‌شاه، واحد همسایگی، صنف، شماره
اول، تابستان ۶۹.